

## تشدید تروریسم دولتی در منطقه، خطر جنگ و ضرورت همبستگی کارگران و زحمتکشان

صبح جمعه سیزدهم دیماه ۹۸، قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی و ابومهدی المهندس، نائب رئیس هشد الشعبی عراق، بدستور ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در نزدیک فرودگاه بغداد توسط بهپاد های آمریکائی کشته شدند. کشته شدن سلیمانی نه اولین و نه آخرین قتل و کشتار در روند کشمکشها و درگیریهای سیاسی نظامی و نیابتی طولانی مدت امپریالیسم آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی است. درگیریها و کشمکشهایی که برای توده های [ ] متکس مردم ایران و عراق و منطقه، جز تشدید سرکوب، کشتار و فقر و جنگ و ویرانی و آوارگی، نتیجه دیگری دربر نداشته است.

۱- نزدیک به ده سال قبل توده های [ ] متکس مردم منطقه در خلاصی از وضعیت فلاکت بار اقتصادی و سرکوب سیاسی، بر علیه دول سرکوبگر و مرتجع سرمایه داری منطقه، بپا خاستند و دست به قیامهای متعددی زدند. در فقدان [ ] زاب انقلابی و تشکلهای مستحکم کارگری، این جنبشها با دخالت نیروهای امپریالیستی و دول منطقه از مسیر خود منحرف و بخون کشیده شدند. دخالت مستقیم نظامی، سازماندهی جنگ نیابتی و ساپورت مالی و تسلیحاتی گروه ها و دسته جات مذهبی و عشیره ای، انداختن آنها به جان همدیگر و به جان مردم معترض و کسب میلیاردها دلار سود از طریق فروش تسلیحات، رونق قاچاق مواد مخدر، تاخیر و فروش انسان و گسیل خیل بیکاران و گرسنگان به جبهه های جنگ و کشتار، رویه ای بوده که دست تمام دول معظم سرمایه داری و دولتهای مرتجع منطقه را تا مرفق به خون و جنایت آلوده کرده است. جنگ طولانی و رقابت بین دول امپریالیستی و قدرت های مرتجع [ ] اکم بر سر تجدید تقسیم مناطق نفوذ، صد ها هزار کشته، میلیونها مصدوم و آواره برجای گذاشته است، زیرساخت های اقتصادی نابود و شیرازه جوامع از هم پاشیده شده است.

۲- بعد از لشگرکشی امپریالیسم آمریکا به عراق و افغانستان، جمهوری اسلامی فرصت را برای گسترش منطقه نفوذ خود مناسب تریافت. سپاه پاسداران رژیم بخش برون مرزی، تحت نام «سپاه قدس» به فرماندهی قاسم سلیمانی، با قدرتهای درگیر در منطقه به رقابت و کشمکش ویا همکاری و بند و بست روی آورد، تا به روئپای «هلال شیعی» رهبران جمهوری اسلامی مادیت بخشد. نتیجه این کارزار، صرف میلیاردها دلار از دسترنج توده های [ ] متکس مردمی بود که بیش از هشتاد درصد آنها در زیر خط فقر زندگی میکنند و اعتراضات و اعتصابات آنها با گلوله و کشتار جواب داده میشود.

سپاه پاسداران که سلیمانی یکی از سرداران ذوب شده در ولایت فقیه آن بود. از نقطه نظر اکثریت توده های کار و [ ] مت و روشنفکران و جوانان ایران یک نیروی سرکوبگر محسوب میشود که تا کنون جنایات بیشماری مرتکب شده است.

۳- ترور سلیمانی و ابومهدی المهندس، در شرایطی برنامه ریزی شد که جنبشهای اجتماعی و توده ای در عراق و ایران گام در راه اعتلاء نهاد است. همزمان با خیزش توده ای عظیم آبانماه در ایران، در عراق نیز ماه ها است که توده های مردم برای تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و سیاسی این کشور و قطع دخالت خارجی از جمله ایران و آمریکا، در خیابان بسرمیبرند. سرکوب خونین خیزش آبانماه با هزاران کشته و زخمی و زندانی و ناپدید شده و تلاش ناموفق رژیم در فریب توده های مردم، عدم پاسخگوئی به جنایت خونین و مطالبات مردم، به خشم و انزجار توده های [ ] متکس افزوده است و نظام [ ] اکم را بیش از گذشته در محاصره قرار داده و با بحرانهای لاینحلی مواجه نموده است.

درچنین شرایطی ترور قاسم سلیمانی به فرمان ترامپ در واقع از آن «امدادهای غیبی» و «نعمات الهی» بود که به یاری رژیم مستأسل جمهوری اسلامی و دارودسته «اکم برعراق آمد. رژیم جمهوری اسلامی و اکمان عراق تلاش خواهند کرد تا جایی که میتوانند با دامن زدن به «ناسیونالیسم» مذهب و «میهن پرستی» و جو ضد آمریکائی، جنبش های اعتراضی را به «اشیبه رانده و به بهانه رودروئی با آمریکا - که به نوبه خود مورد نفرت توده های «متکس منطقه و مردم عراق و ایران است-، سیاست سرکوب و امحای هرگونه آزادیخواهی را تشدید کنند و فشار فزاینده اقتصادی و سیاسی برگرده توده های «متکس را افزایش داده و توجیه نمایند و از پاسخگوئی به فساد، دزدی، رانت خواری و سرکوب، شانه خالی کنند. جمهوری اسلامی که در سالهای اخیر بیش از پیش مشروعیت خود را از دست داده است، تلاش خواهد کرد تا مرگ قاسم سلیمانی را به فرصتی برای تغییر جوسیاسی و اعتراضی میلیونی «متکشان و به فراموشی سپرده شدن مطالبات آنها تبدیل کند.

۴- تردیدی نیست که فضای بوجود آمده از ترور قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس و همراهان آنها، برای هیئت «اکم آمریکا و برای شخص ترامپ نیز فرصتی است تا ضمن پیشبرد سیاستهای استیلاجویانه خود در منطقه، مشکلات داخلی را به «اشیبه براند. رقبای خود را که استیضاح وی را روی میز گذاشته اند به عقبنشینی واداشته و خویشتن را بعنوان کاندید مناسب انتخابات آینده ریاست جمهوری در نزد افکار عمومی صالح جلوه دهد. علاوه بر آن بالا رفتن تنش در منطقه و خطر جنگ، به افزایش قیمت نفت صادراتی آمریکا و افزایش سهام شرکت های عظیم نظامی منجر خواهد شد که عملاً میلیاردها دلار سود نصیب انحصارات آمریکائی خواهد کرد.

۵- «جنگ ادامه سیاست باروش دیگر است» در جنگ نیز هر کدام از طرفین اهداف و منافع خود را دنبال میکنند، اکنون کشمکشهای جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا وارد مرحله «ساسی شده است و خطر جنگ افزایش یافته است. هر چند که رهبران جمهوری اسلامی برای «فظ نظام» حاضر هستند ده بار دیگر «جام زهر» را بالا بکشند و اما «تمال وقوع هراتفاقی، از جمله درگیری نظامی دور از ذهن نیست. در این جنگ وجدال تلاش برای به «اشیبه راندن جنبشهای اجتماعی و بسیج توده ها با تبلیغات میهن پرستانه بکلی کاذب و دروغین و منحرف کردن توجه آنها از معضلات داخلی و مطالبات اقتصادی و سیاسی به سمت فضای جنگی، از جمله اهداف دو طرف در بسیج و فریب توده های «متکس است. در «الیکه کارگران و «متکشان کشورهای مختلف دشمنی با هم نداشته و جنگی هم با هم ندارند که به گوشت دم توپ طبقه سرمایه دار این ویا آن طرف مخاصمه تبدیل شوند. طبقه کارگر و «متکشان برای خلاصی از ستم و استثمار و جنگ و سرکوب ناگزیر باید تکلیف خود را با طبقه «اکم کشور خویش یکسره کنند.

۶- امانیاید فراموش کرد که مبارزه علیه نظامات سرمایه داری از مبارزه علیه امپریالیسم جدانیست. سرمایه داری و امپریالیسم دوروی یک سکه هستند که بخاطر تناقضات ذاتی نظام سرمایه داری، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی مشغول رقابت و جنگ وجدال و گسترش نفوذ خود بمنظور تسلط بر منابع طبیعی، نیروی کار ارزان و بازارهای فروش هستند. جنگ وجدالی که در آن میلیونها انسان قربانی میشوند، نیز محصول مناسباتی است که در آن انباشت سرمایه و سود، «رف اول رامینند. از اینرو رهائی طبقه کارگر و «متکشان ایران که اکثریت اهالی راتشکیل میدهند با منافع اساسی امپریالیسم آمریکا و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در تضاد است و چه بلحاظ سیاسی و نظری و چه

عملی، بناگزیردر مقابل هر دو طرف مخاصمه قراردادارند و آنها دشمنان مشترک توده های عظیم کارگران و متکشان منطقه و ایران هستند.

۷- آزادی کارگران و متکشان که اکثریت اهالی را تشکیل میدهند، درگرومبارزه باجنگ و سرکوب، ستم استثمار و سرنگونی طبقات اکم و بدست گرفتن سرنوشت خویش است. دراین شرایط اساس کارگران پیشرو، متکشان و روشنفکران انقلابی، جوانان و دانشجویان باید تلاش کنند تا توده های کارگر و متکش مردم نسبت به منافع طبقاتی خود آگاهتر شده و در دام عوامفریبیهای رژیم و دسیسه های امپریالیستی گرفتار نشوند و به سازمانیابی، آگاهی و تشکل و انسجام خود روی آورند، تابتوانند درتخاصمات دنیروی ارتجاعی، بصورت آگاهانه و مستقل جایگاه و موقعیت خود را برای ادامه مبارزه تا رسیدن به آزادی و برابری غظ و توسعه و تقویت کنند.

تردیدی نیست که توده های متکش مردم ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه که به خیزش های متعددی دست زده اند، خواهان آزادی، رفاه، پایان دادن به ستم و استثمار و جنگ و کشتار هستند. و پیشروی و پیروزی دراین امر تنها با تشکل، وادت و سازمانیابی جبهه انقلابی کارگران و متکشان و مقابله با دخالتگریهای امپریالیستی و تشدید مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیمهای سرکوبگر و فاسد، باهدف سازماندهی ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی برشوراها و گذار به سوسیالیسم امکان پذیر است.

برپاباد اتحاد و همبستگی کارگران و متکشان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

نابودباد امپریالیسم - زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست چهاردهم دیماه ۱۳۹۸